

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی چیست؟

مهدی شقاقی^۱

چکیده

هدف: هدف نوشته حاضر، بررسی زمینه‌هایی در دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی است که طی آن، نظریه‌های علم ارتباطات می‌تواند سرنخهای مناسبی برای تحلیل و تحقیق ارائه کند. برای وصول به این هدف، سعی شده تا زمینه‌هایی از دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی که علم ارتباطات می‌تواند دستمایه خوبی برای عمق‌یابی و واکاوی ارائه نماید، معرفی و کاربست آن نظریه‌ها بررسی شود.

روش/رویکرد: در تحلیل حاضر از رویکرد تحلیل مفهومی (Analysis Conceptual) استفاده شده است. این رویکرد که در بررسی‌های نظری کاربرد دارد، برای بسط یک یا گروهی از نظریات خاص یک فرد یا یک حوزه جهت وسعت‌بخشی، عمق‌بخشی، یا تحلیل مسائل حوزه‌ای دیگر به‌کار می‌رود. در اینجا سعی شده از منظر نظریه‌های علم ارتباطات به مسائل علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی نگریسته شود.

یافته‌ها: از آنجا که علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از نظر بسیاری از نظریه‌پردازان این حوزه از علم ارتباطات جدایی‌ناپذیر دانسته شده و شأن ارتباطی برای این دانش قائل شده‌اند، لذا علم ارتباطات یکی از حوزه‌هایی است که در این رشته ظهور و بروز داشته و حایز اهمیت دانسته شده است. با وجود این، حضور علم ارتباطات در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی عموماً در سطح ارتباط کتابدار-مراجعه‌کننده در فرایند مرجع باقی مانده و کمتر فراتر از آن رفته است. در نوشته حاضر سعی خواهد شد تا مسائلی از حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی که از طریق نظریه‌های علم ارتباطات قابلیت طرح، تحلیل و تعمیق دارند، طرح شوند. برای این کار، این مسائل در سه سطح کلی کتاب، کتابخانه، و کتابدار طرح می‌شوند.

اصالت/ارزش: کتابداری و اطلاع‌رسانی و علم ارتباطات دارای موضوع مورد بررسی مشترکی به نام پیام (اطلاع) هستند. هر چند بیشتر، اطلاع به‌عنوان شیء در کتابداری و اطلاع‌رسانی موضوع تحقیق و کاربرد است، اما این شیء که هم محتوا، هم قالب و هم کلیت آن می‌تواند به مثابه پیام باشد، نمی‌تواند دور از نقش ارتباطی، اقناعی، مخاطب‌شناسانه، و فارغ از زمینه اجتماعی پیام نگریسته شود. مطالعه حاضر قصد در چنین زمینه‌هایی را پررنگ کند.

^۱. دانشجوی دکتری علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران. m.shaghghi@ut.ac.ir

مقدمه

«باد»^۱ (۱۳۸۸) کتابخانه را وسیله‌ای ارتباطی برای تسهیل فرایند تبادل اطلاعات قلمداد می‌کند و اذعان می‌دارد که کتابخانه ارتباط میان اشخاص حاضر، حاضران با گذشتگان و حاضران با آیندگان را از طریق انتقال تفکرات و آرای مضبوطشان ممکن می‌کند. با این تعریف، می‌توان فهمید که شأن ارتباطی کتابخانه و یا مرکز اطلاع‌رسانی به‌عنوان منبع (منبع اطلاعات) کانال (کانال ارتباطی منابع اطلاعاتی با مراجعان) و گیرنده (مراجعان علاوه بر دریافت اطلاعات از کتابخانه، اطلاعاتی نیز به آن وارد می‌کنند از جمله اطلاعات جست‌وجو، بازخورد و ...) از گذشته‌ها مورد اذعان نظریه‌پردازان این رشته بوده و هست. وجود این، به دلیل آنکه جنبه‌های عمل‌گرایانه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و نگاه تکنیکی به مسائل کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی و کار کتابداری همواره به مسائل نظری آن می‌چربیده است، کتابداران عموماً مشغول به فعالیت‌های فنی بوده و به اعمال خود اغلب به عنوان یک عمل اجتماعی^۲ ننگریسته‌اند. کتابداران اغلب افرادی دانسته شده‌اند که غرق در عمل‌گرایی خود، فعالیت‌های حرفه‌ای خویش را فارغ از ابعاد ارتباطی و اجتماعی می‌نگرند (باد، ۲۰۰۳). لذا علم ارتباطات نیز صرفاً در جایی که برای این رشته کاربرد عملیاتی داشته -مانند مصاحبه مرجع، فنون پرسش‌کاوی و پاسخ‌یابی، مهارت‌های ارتباط کلامی، مهارت‌های ارتباط غیرکلامی و ...- مورد استفاده قرار گرفته است. در عنوان مثال‌های مذکور که هر یک سرفصلی از دروسهای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده و در حال حاضر نیز هست، عمل‌زدگی را در عبارتهایی مانند فنون، مهارت‌ها و ... که در ابتدای سرفصل‌ها آمده، به وضوح می‌بینیم. البته، این به‌معنای نفی لزوم پرداختن به این مسائل نیست و البته نگاه فنی و عملیاتی در جای خود لازم است. اما نکته‌ای که در اینجا منظور نظر است، غفلت از مسائلی در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی است که علم ارتباطات قویاً می‌تواند در تحلیل‌ها و عمق‌یابی‌ها و توسعه علمی و تحقیقی آنها یاریگر

^۱. John Budd.

^۲. Social praxis.

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۲۱

باشد. در ادامه تلاش خواهد شد که این حوزه‌ها در سه سطح کتاب (محمل اطلاعاتی)، کتابخانه (مرکز اطلاع‌رسانی، مرکز رسانه و ...) و کتابدار (متخصص اطلاعات، اطلاع‌رسان) مطرح شود.

کتاب

در تعریف «باکلند»^۱ (۱۹۹۰) از اطلاعات و اینکه حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی با چه نوع اطلاعاتی سر و کار دارد، اطلاعات دارای چهار جنبه دانسته شده است: اطلاعات به مثابه معرفت، اطلاعات به مثابه فرایند، اطلاعات به مثابه داده (پردازش داده)، و اطلاعات به مثابه شیء. هر چند این تعریف با تعریفهای متفکران فلسفه قاره‌ای علم اطلاعات درباره معنای اطلاعات متعارض است و آنها اطلاعات را «علم‌الانباء» یا علم انجلیتیک^۲ می‌دانند، اما این می‌تواند اهمیت محملهای اطلاعاتی را به‌عنوان یکی از زمینه‌های مهم پیام نشان دهد. بحث در مورد محملهای اطلاعاتی از نقطه نظر علم ارتباطات از چند جنبه می‌تواند حائز اهمیت باشد. نخست، محتوای مندرج در این محملها چگونه نشانه‌گذاری شده‌اند و این نشانه‌ها به‌لحاظ ارتباطی چه ویژگیهایی دارند و چه الزمهایی را برای مدیریت رسانه کتاب ایجاد می‌کنند. دوم، این محملها علاوه بر محتوای اطلاعاتی، چه کارکردهای دیگر ارتباطی در بحث مخاطب دارند. سوم، این محملها را چگونه می‌توان به لحاظ مؤلفه مالکیت (مؤلفه اول در فرمول لاسول^۳ (محسنیان‌زاد، ۱۳۸۹) بررسی کرد. چهارم، مخاطب با توجه به نوع نشانه‌های انواع محملها، چه نوع مواجهه‌ای با محتوای پیام آن خواهند داشت و این مواجهه از محملی به محمل دیگر چه تفاوتی می‌کند. پنجم، وضع مخاطب در برابر این محملها را چگونه می‌توان با توجه به تئوری «تأثیر جایگزینی» تفسیر کرد. و آخر اینکه، این محملها چه ارتباطی

^۱. Michael Buckland .

^۲. علم انجلیتیک یا علم پیام‌شناسی، علمی است که از طرف اندیشمندان فلسفه قاره‌ای چون رافائل کاپورو ارائه شده است. این متفکران قائل به حیث بودن و زمینه‌مند بودن اطلاعات هستند و بنابراین علوم اطلاع‌رسانی از نظر آنان، علمی است که به مطالعه پیام به عنوان بخشی از پدیدار ارتباط می‌پردازد. از نظر آنان دانش اطلاع‌رسانی، مطالعه ساحت‌های سه‌گانه عرضه معنا، انتخاب و فهم است.

^۳. Harold Dwight Lasswell.

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۲۲

با مفاهیمی چون بهنجارسازی، انضباط و قدرت (مفاهیمی که در نظریه‌های قائل به تأثیرهای رسانه‌ای قدرتمند همچون تزریق زیرپوستی و ... مطرح است) می‌توانند داشته باشند. در ادامه به این مباحث اشاره خواهد شد.

نشانه و اطلاعات

از نظر ارتباطی، یکی از نکات کلیدی این است که محتوای پیام در یک محمل اطلاعاتی چگونه نشانه‌گذاری می‌شود. اگر تقسیم‌بندی پیرس^۱ از نشانه‌ها را به‌عنوان یک تقسیم‌بندی مقبول در میان نشانه‌شناسان قبول داشته باشیم، نشانه‌ها می‌توانند به سه شکل نمایه‌ای، شمایی و نمادی حضور داشته باشند (چندلر، ۱۳۸۷). نشانه‌های نمایه‌ای، نشانه‌هایی هستند که به محض التفات به آن، مدلول در نظر ما حاضر می‌آید؛ مانند صدای رعد. در نشانه‌های شمایی با التفات به دال، مدلول در نظر ما حاضر می‌آید، اما با درجه‌ای ضعیف‌تر نسبت به نشانه‌های نمایه‌ای. برای مثال، می‌توان انواع تصاویر و عکسها را ذکر کرد. تصویر مونالیزا به احتمال زیاد ما را به یاد شخصیت مونالیزا می‌اندازد، اما ممکن است خاطره‌ای با یک دوست قدیمی را نیز در ذهن ما زنده کند. بنابراین، نشانه‌های شمایی درجه‌ واقع‌نمایی (مدالیت) بالایی دارند، اما نه به اندازه نشانه‌های نمایه‌ای. نشانه‌های نمادین، دسته آخر هستند که نسبت به دو تای قبلی مدالیت پایین‌تری دارند؛ لذا به محض التفات به آن، ممکن است انواع مختلف خوانشها و تفسیرها را نسبت به آن داشته باشیم. نظامهای نشانه‌گذاری نمادین مانند الفبا و به تبع آن، متون نوشتاری، از این نوع هستند. در ضمن، خود این نشانه‌ها را نیز می‌توان به لحاظ یک‌سویه یا دو سویه بودن، تقسیم‌بندی کرد. برای مثال، نشانه‌های نمایه‌ای و شمایی یک‌سویه‌اند و عموماً یک محتوای خاص را به‌طور یک‌سویه منتقل می‌کنند، ولی نظامهای نمادین دو سویه‌اند؛ یعنی ویژگی تعاملی دارند. نکته‌ای که از این نظر قابل استفاده است، این است که محملهای اطلاعاتی مورد بحث در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، کدام دسته از نشانه‌ها را پشتیبانی می‌کنند. مواد کتابی (آنالوگ و دیجیتال) دارای نشانه‌های نمادین (نشانه‌های نمادین غلبه دارند) و مواد سمعی و بصری دارای نشانه‌های شمایی هستند (نشانه‌های شمایی غلبه

^۱. Charles Sanders Peirce.

دارند). ویژگی محملهایی مانند کتاب و مجله‌ها و محملهایی با نشانه‌های نمادین، این است که به‌علت درجه واقع‌نمایی پایین، تعاملی بوده و گشودگی زیادی به انواع برداشتها و تفسیرها دارند و مانند محملهایی مانند فیلم و صوت نیستند که جنبه تعاملی آنها پایین‌تر و درجه واقع‌نمایی‌شان بالاتر است. در ضمن، به‌علت ویژگی نمادین بودن و تعاملی بودن نشانه‌های منابع اطلاعات کتابی، مواجهه با آنها نیاز به تلاش فکری و درگیری ذهنی دارد و مانند رسانه‌های تصویری نیست که فرد به صورت یک‌سویه در معرض نشانه‌ها قرار گیرد. لذا، می‌توان این محملها را به‌لحاظ دسته‌بندی انواع نظریه‌های ارتباطی، بررسی کرد. طبق یک تقسیم‌بندی، تأثیرهای رسانه‌ای به دو دسته قدرتمند و محدود^۱ تقسیم می‌شوند (مک‌کوایل، ۱۳۸۷). نظریه‌های قدرتمند قائل به انفعال مخاطب در برابر نظامهای رسانه‌ای و نظریه‌های محدود قایل به فعال بودن مخاطب در برابر نظامهای رسانه‌ای هستند. لذا، یکی از زمینه‌های مطالعاتی با استفاده از علم ارتباطات در سیاست‌گذاری منابع اطلاعاتی این است که با توجه به نوع نشانه‌های هر یک از این محملها، چه رویکردی در تهیه و انتخاب منابع باید اتخاذ کرد که بتوان به مطلوبیت اجتماعی دست یافت. آیا باید آن را یک رسانه قدرتمند شمرد و منابعی به کتابخانه‌ها تزریق نمود که از آن در جهت تأثیرگذاری و برساخت افراد استفاده کرد یا باید آن را رسانه‌ای محدود دانست که دارای نشانه‌های تعاملی است. لذا، برقراری ارتباط با آن نیازمند تلاش فکری است و باید از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای رشد فردی و آگاهی‌بخشی و تحقق فردیت خود استفاده کرد.

نکته دیگر در ارتباط با مخاطبان است و اینکه برای یک محتوای اطلاعاتی خاص با انواع نظامهای نشانه‌ای (کتاب، کتاب صوتی، ویدئو، کتاب تصویری و ...) برای انواع مختلف مخاطبان با ویژگی‌های مختلف، کدام محمل می‌تواند بیشترین تأثیرگذاری و یاریگری را داشته باشد. برای مثال، از نقطه‌نظر ارتباطی، برای یک نوجوان که می‌خواهد زبان خارجی بیاموزد، چه نوع محملی (محملی با نشانه‌های شمایی یا نشانه‌های نمادین) را باید پیشنهاد داد. یا برای آموزش ریاضیات، چه نوع محملی برای وی مناسب‌تر است. این‌ها مسائلی است که به‌نظر می‌رسد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌بایست به آن توجه کند.

^۱. Powerful communication theories & Limited communication theories.

نقش اقناعی زبان

«جان سرل»^۱ (۱۳۸۷) برای زبان به‌عنوان مهم‌ترین عامل ارتباط نقش اقناعی قائل است و این نقش را جزء مهم‌ترین نقشهای زبان می‌داند. وی که رویکردی منطقی در تحلیل زبان دارد، بیشترین اهتمام خود را صرف دسته‌بندی و تقسیم منطقی کنشهای زبانی کرده است و در این میان، کنش منظوری^۲ و تأثیرهای پس از گفتار^۳ برای وی بیشترین اهمیت را دارند. منظور از کنش منظوری، انواع رفتارهایی است که گوینده برای بیان منظور خود به‌کار می‌برد (دستوری، ایجابی، تعهدآور، اخباری، بیانی) و تأثیرهای پس از گفتار، تأثیرهای چنین بیانیهایی بر روی مخاطب و بر روی خود گوینده است که پایه‌گذار روند ارتباط است. از این نظر، می‌توان روی برخی پیش‌فرض‌های تحقیقی در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، کار کرد: یکی استناد و دیگری ساختار نوشتار.

استناد در بدو امر وسیله‌ای است تا مؤلف نوشته خود را با نوشته‌های پیشین مرتبط کند و آن را در یک ساختار دانشی خاصی قرار دهد. اما سنجش استناد که در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی (حوزه علم‌سنجی) پایه تصمیم‌گیری در خصوص ارتباط موضوعی، مجموعه‌سازی، همکاریه‌های علمی، و ارتباطهای علمی است، می‌تواند برای مسئله ارتباط با دانش پیشین، دارای جنبه‌های اقناعی باشد. برای مثال، نویسنده چگونه از استناد به منظور نشان‌دادن اینکه محتوای نوشتار او علمی است و دارای صبغه تحقیقی است، استفاده می‌کند؟ برای این کار، چه شاخصهایی را رعایت می‌کند؟ به لحاظ تاریخی، چگونه چنین ساختار ارتباطی‌ای قوام یافته است؟ ساختار نوشتار که یکی دیگر از مباحثی است که در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی تدریس و آموخته می‌شود نیز از این نظر قابل بحث است. برای مثال، ساختار یک نوشتار علاوه بر این پیش‌فرض مقدماتی که قالبی برای تبادل بهینه پیام فراهم می‌کند، دارای چه الزامهای ارتباطی دیگری است. برای مثال، در انتخاب کتاب برای کتابخانه،

^۱. John Searle.

^۲. Illocutionary act.

^۳. Perlocutionary effects.

قالب کتاب و ساختاری که به کار برده چه تأثیری روی فرد انتخابگر و سپس روی مخاطب می‌گذارد. چگونه مؤلف از ساختار برای اقناع مخاطب و برای نشان‌دادن علمی بودن یا موثق بودن اطلاعات خود استفاده می‌کند؟ یک محتوای بی‌ساختار علمی و همان محتوا با یک ساختار دانشگاهی یا ژورنالیستی، هر یک چه تأثیری بر مخاطب دارند؟

علاوه بر این، می‌توان تحقیقات جالبی نیز در متون رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی درباره‌ی واژه «اطلاعات» انجام داد. با استفاده از مفهوم «سرل» در مورد نقش اقناعی زبان، می‌توان دلالت‌های زیادی در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پیدا کرد که واژه اطلاعات در متون کتابداری دارای نقش اقناعی است تا نقشی نظری که بتواند گشاینده مرزهای علمی در رشته باشد. می‌توان با تحلیل محتوای کیفی متون کتابداری و اطلاع‌رسانی، به موارد قابل توجهی رسید که در آن واژه اطلاعات نه به منظور توسعه علمی و حرفه‌ای، بلکه به منظور تلاش برای بساختن ابزهای به منظور بررسی و تحقیق و یا فرار از نوعی فقدان ناشی از فقر جنبه‌های نظری و تحقیقی به دلیل نبود ابژه تثبیت‌شده تحقیق به کار رفته است. این در حالی است که واژه اطلاعات، کاملاً وابسته به زمینه است و برای حوزه‌های مختلف، معنای خاصی می‌دهد (مثلاً در مخابرات، علوم نظامی، پزشکی و...) و اینکه معنای این واژه در رشته کتابداری هنوز به قطعیت مشخص نیست. لذا به نظر می‌رسد متون این رشته در مورد این واژه دارای رویکرد رتوریک^۱ (بلاغی) است و کمتر به تدوین و تدقیق این واژه پرداخته شده است و رشته کتابداری نیز عملاً با اطلاعات به مثابه شیء سر و کار دارد نه سایر جنبه‌های آن.

کتاب و مالکیت

طبق الگوی ارتباطی لاسول^۱ چه کسی، چه محتوایی را از چه کانالی برای چه و با چه تأثیری ارسال می‌کند- (محسنیان‌راد، ۱۳۸۹). یکی از نخستین سؤلهایی که می‌توان درباره کتاب (محمل اطلاعاتی) پرسید، مالکیت کتاب است؛ یعنی بحث درباره مؤلف و ناشر. اگر کتاب را به عنوان یک رسانه ارتباطی بدانیم، پرسش درباره مالکیت پرسشی بجاست، بویژه درباره ناشر، زیرا ناشران با توجه به ذائقه‌های انتشاراتی خود، آثار مؤلفان خاصی را منتشر

^۱. Rhetoric.

می‌کنند. از این رو، می‌توان جریان نشر را از نظر مالکیت، به شکل پیام‌شناسانه بررسی و مفهومی به نام «جریان‌شناسی اطلاعات» را نیز مطرح نمود. نخستین نکته قابل بررسی در جریان‌شناسی اطلاعات از جنبه ارتباطی این است که آیا می‌توان از روی جریان مالکیت اطلاعات (و نشر به‌طور خاص)، جریانهای فکری و محتوایی و یا نوع پیامهایی که این نوع رسانه‌ها در پی گسترش آن هستند، باز شناخت؟ آیا ناشران به اندازه کافی در حوزه‌های مطالعاتی خاص تفکیک شده‌اند که بتوان چنین تحلیلهایی نمود؟ وابستگی سازمانی هر یک از این ناشران چه سرنخهایی را در مورد محتوای رسانه‌های چاپی و الکترونیکی و در کل، محتوای اطلاعات می‌تواند در اختیار نهد؟ انتشارات روزنامه اطلاعات قبل از انقلاب با انتشارات فرانکلین چه تفاوتهایی به لحاظ پیام داشته‌اند؟ مطلبی درباره نخست‌وزیری مصدق که یکی توسط مؤسسه روزنامه کیهان به چاپ رسیده و دیگری توسط مؤسسه روزنامه آفتاب، چه تفاوتهایی به لحاظ پیام می‌توانند با هم داشته باشند؟ مالکیت اطلاعات (منابع چاپی و الکترونیکی) چه راهکارهایی را برای جریان‌شناسی اطلاعات و نیز چه سرنخهایی برای درک و تفسیر محتواهای هر یک از منابع اطلاعاتی می‌دهد؟

وضع مخاطب در برابر رسانه کتاب

یکی از تحقیقاتی که درباره رسانه کتاب می‌توان انجام داد این است که بررسی شود وضع مخاطب در برابر رسانه کتاب چگونه است و این وضع در طول تاریخ چگونه بوده است. همچنین، مشخص شود که هر یک از اقشار جامعه به لحاظ سن و تحصیلات چه وضعی در برابر این رسانه دارند. همچنین، این امر را در مورد سایر محملهای اطلاعاتی می‌توان انجام داد و با کتاب مقایسه کرد. مخاطب به‌طور کلی در برابر رسانه سه موضع اتخاذ می‌کند: تسلیم کامل، مقاومت و عدم پذیرش کامل، مقاومت جزئی و پذیرش جزئی (مک‌کوایل، ۱۳۸۷). برای مثال، وضع مخاطب به لحاظ سن و تحصیلات در برابر روزنامه‌ها، مجلات، کتاب الکترونیکی، مواد سمعی و بصری و ... (به تفکیک در فرمتهای چاپی و الکترونیکی) چگونه است و چه تفاوتی با رسانه کتاب دارد. آیا در برابر پیامهای کتاب تسلیم کامل‌اند؟ آیا دارای امتناع و عدم پذیرش کامل هستند و یا بین این دو در حال بده بستان و مذاکره می‌باشند؟ این

وضع در طول تاریخ چگونه بوده است؟ در میان گروه‌های مختلف سنی، تحصیلاتی و یا حرفه‌ای چگونه است؟ چه تفاوت‌هایی با سایر محملها (مثل روزنامه) دارد؟ این بررسی‌ها می‌تواند سرنخ‌های خوبی برای کاربست انواع رسانه با توجه به انواع مخاطبان به دست دهد. برای مثال، به نظر می‌رسد زمانی که هنوز صنعت چاپ در ایران همه‌گیر نشده بود و رشد انتشار کتاب به وضع حاضر نرسیده بود، محتوای مندرج در کتابها برای عموم حکم قطعی و بی‌چون و چرا داشته و به‌عنوان منبع استدلال به کار می‌رفته است. مستند بودن یک سخن به یک کتاب کافی بود تا درستی آن اثبات شود. هنوز هم این امر بین اقشار نسلهای دهه ۴۰ و ماقبل آن و حتی برخی افراد در حال حاضر مصداق دارد. با وجود این، این امر در میان نسل دانشگاهی و روشنفکر امروز بسیار کمرنگ شده و موثق بودن آن دارای اعتبار سابق نیست. به‌علاوه، شایان بررسی است که امروزه وضع مخاطبان به تفکیک سن و تحصیلات و حرفه در برابر رسانه کتاب چگونه است. بر این اساس، در تهیه منابع اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی می‌توان انتخابهای دقیق‌تری انجام داد. برای مثال، اگر نوجوانان هنوز ضبط یک اطلاع در ساختار کتاب را دارای اطمینان می‌دانند، لازم است کتابهایی برای آنها تهیه شود که صحت پیامها و گفتار مؤلف اثبات شده و موثق باشد. اگر مقاله‌ها و اسناد برای دانشگاہیان این اطمینان و پذیرش را تأمین می‌کند، باید در تأمین این منابع کوشش نمود. در مورد سایر محملها نیز می‌توان سیاست‌هایی طبق یافته‌های حاصل از این تحقیقات تنظیم کرد.

زندگی مقدم است یا شناخت؟ تأثیر جابه‌جایی

نظریه تأثیر جابه‌جایی^۱ یکی از نظریه‌های طرح شده در حوزه رسانه، بخصوص درباره کودکان و نوجوانان است (آرنت^۲، ۲۰۰۷). این نظریه که با الهام از قانون ارشمیدس ارائه شده، بیان می‌دارد مدت زمانی که افراد با رسانه می‌گذرانند، در واقع همان مدت زمانی است که می‌توانند بخوانند، ورزش کنند یا با دوستان و خانواده خود بگذرانند. در واقع، زمانی که ما برای رسانه صرف می‌کنیم، معادل زمانی است که برای سایر چیزها از دست می‌دهیم. رسانه جای سایر فعالیتهای ما را می‌گیرد و به خود اختصاص می‌دهد. اما نکته‌ای که سعی می‌شود تا

^۱. Displacement effect.

^۲. Jeffrey Jensen Arnett.

در اینجا بیان گردد، این است که زمانی که صرف استفاده از محملهای اطلاعاتی، مطالعه، خواندن، استفاده از رسانه‌ها (چاپی و الکترونیکی) می‌کنیم، در واقع با چه چیزی جا به جا می‌شود. رشد انتشارات در قرن بیستم و قرن اخیر، سرسام‌آور بوده است. بشر امروز در هر ۳۰ ثانیه، یک کتاب منتشر می‌کند. نشر کتاب از ۵۰۰ عنوان در دهه ۱۵۵۰، به ۳۶۰ میلیون در دهه ۱۹۵۰ رسید و این رقم امروزه چند برابر شده است (کامشاد، ۱۳۸۶). امروزه درباره کوچک‌ترین مسائل و خصوصی‌ترین مسائل زندگی انسان که بهترین راه کسب معرفت درباره آن، تجربه کردن آن است، کتاب منتشر شده است. برای مثال، درباره خود کتاب خواندن، صدها کتاب چاپ شده و باید بخوانیم که چگونه بخوانیم! با این وضع، باید پرسید که آیا شناخت مهم‌تر است یا حیات و زندگی؟ آنچه طی استفاده از این محملها و کسب معرفت جا به جا می‌شود، چیست؟ آیا آنچه جابجا می‌شود، خود زندگی نیست؟ ممکن است بخش اعظم زمان قشر خاصی از جامعه که می‌تواند منشأ اثرهای بسیار زیاد (حداقل مادی و اقتصادی) شود، صرف دانستن شود، دانسته‌هایی که بسیاری از آنها از طریق زندگی و حیات، با درکی عمیق‌تر قابل حصول است. از این جنبه، شایان بررسی است که گذراندن زمان برای چه نوع معارفی ارزش جابجایی با حیات را دارد.

خواندن و انضباط

یکی از پیش‌فرضهایی که در نظریه‌های پر قدرت رسانه‌ای از قبیل نظریه کاشت، نظریه تزریق زیرپوستی، یا نظریه تأثیر گلوله‌ای (دانسی، ۱۳۸۷) وجود دارد، استفاده از رسانه برای اجتماعی کردن عموم و تبدیل کردن آنها به شهروندانی بهنجار است. اکثر گفته‌ها، آثار و نوشته‌هایی که در مورد امر خواندن توسط علما و دانشگاهیان نشر یافته، حاکی از اهمیت و ضرورت مطالعه، افزایش سرانه مطالعه، و تأثیر آن بر نهادهای مختلف از جمله خانواده، محل کار و ... بوده است. اما آیا می‌توان امر خواندن و بهره‌گیری از محملهای اطلاعات را با رویکرد نظریه‌های پر قدرت رسانه‌ای تبیین کرد؟ «رابین»^۱ (۱۳۸۷) به نقل از «هریس»^۲ بیان

^۱. Rabin.

^۲. Harris.

می‌کند که اولین کتابخانه‌هایی که در آمریکا و در شهر بوستون توسط بنیادهایی همچون بنیاد کارنگی پایه‌گذاری شدند، نه به دلیل تلاش برای افزایش سواد و آگاهیهای جامعه، بلکه برای بهنجار کردن مهاجران و ایجاد تمایز و حفظ طبقه اشراف و ثروتمندان از طبقه مهاجران و کارگران بوده است. ایجاد و حفظ چنین تمایزی از طریق این کتابخانه‌ها صورت می‌گرفت. لذا، مطالعه در بدو امر، به‌عنوان یک رسانه قدرتمند و ابزاری برای بهنجارسازی عموم تلقی می‌شد. با این اوصاف، می‌توان چنین برداشت کرد که امر مطالعه از برخی جهات با مفهوم انضباط «فوکو»^۱ (۱۳۹۰) گره می‌خورد. طبق این مفهوم، مطالعه همچون یک پانوپتیکن^۲ عمل می‌کند که در نظر دارد شهروندانی منضبط و بهنجار بسازد. در چنین مفهومی، کتابخانه (و کتابهای آن) در مفهوم مدرن به‌عنوان یک حوزه عمومی که بدواً به‌منظور پرکردن شکاف میان دولت - ملت پایه‌گذاری شده، نقش رسانه‌ای قدرتمند را خواهد یافت که با ترویج فردگرایی و به تبع آن ترویج مطالعه، یادگیری مادام‌العمر، ارتقای خود و در پی بهنجار کردن عموم و حفظ مفهوم طبقه است.

خواندن و سرمایه نمادین

«بورديو»^۳ یکی از نظریه‌پردازان ارتباطات است که برخلاف دیگر نظریه‌پردازانی که وی نظریات آنها را «عقل‌باورانه» می‌نامد، ورای دو رهیافت ذهن‌گرا (که تلاش دارد عمل ارتباط را به کنشها و تصورات کنشگران اجتماعی کاهش دهد و امکان دستیابی پیشینی کنشگر به

^۱. Michael Foucault .

^۲. فوکو در مراقبت و تنبیه، در ادامه بحث خود درباره جامعه مدرنی که به واسطه گفتمان نهادمند شده، به بحث درونی‌سازی انضباط می‌پردازد و در این راستا به طراحی خاصی از ساختمان زندانهای قرن هجدهم به نام پانوپتیکن اشاره می‌کند که عبارت از نورپردازی از یک برج به درون سلولهاست که طی آن زندانبانان می‌توانستند درون سلولها و زندانیان را ببینند بدون اینکه توسط زندانیان دیده شوند. لذا حضور نور در داخل سلولها به معنای نظارت بود و زندانیان نمی‌توانستند ببینند و بدانند که واقعاً درحال کنترل هستند یا نه. درواقع آنها مجبور بودند همواره مراقب اعمال خود باشند و بدین ترتیب انضباط درونی می‌شد.

^۳. Pierre Bourdieu.

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۳۰

ساختارهای عینی را نادیده بگیرد) و عین‌گرا (که نقش کنشگر را نادیده می‌گیرد و ارتباط را متشکل از روابط و ساختارهای عینی می‌داند) قرار دارد و بر خلاف آنها که بر شفافیت، نظام‌یافتگی و منطقی بودن تأکید دارند، اصرار می‌کند که ارتباط در محیطی آمیخته با حاکمیت، قدرت و سیاست شکل می‌گیرد. لذا نسبت به آن نظریه‌ها انتقاد دارد و بر این باور است که آنها نظریه‌های ارتباط را از بافت اجتماعی جامعه جدا می‌کنند (شوتز ایشل، ۱۳۹۱). وی می‌گوید «هیچ کلمه‌ای معصوم نیست» و بر این اساس می‌توان گفت که هیچ جمله یا عبارتی معصوم نیست. وی درصدد پاسخ به این پرسش است که چگونه تمایزهای اجتماعی در زبان بازتولید می‌شوند. وی برای پاسخ‌گویی به این پرسش، از سه مفهوم هاییتوس^۱ (منش یا عادت‌واره)، میدان، و سرمایه استفاده می‌کند (شوتز ایشل، ۱۳۹۱). هاییتوس، منش سخن‌گویی (و اعمال) افراد است که ناشی از خانواده، طبقه، تحصیلات و سایر نهادهای آمیخته با قدرت می‌تواند باشد. میدان، بازار زبانی‌ای است با انفکاک افقی که افراد با هاییتوسهای مختلف در آن به بازی زبانی مشغولند. سرمایه از نظر بورديو، شامل سرمایه اقتصادی، اجتماعی و سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی خود از سرمایه زبانی و سرمایه نمادین تشکیل شده است. سرمایه زبانی عبارت از نوع سخن‌گویی خاصی است که فرد را به لحاظ طبقه، مقام، قدرت سیاسی، قدرت علمی و ... از دیگر افراد متمایز می‌کند. سرمایه نمادین نوع خاصی از سرمایه زبانی است که علاوه بر زبان، شامل اشیای فرهنگی نمادین نیز می‌شود. برای مثال، حمل کتابهای قطور علمی توسط یک فرد در جمعی خاص به همراه زبانی که فرد به کار می‌برد، می‌تواند سرمایه نمادین وی را تشکیل دهد. با این تحلیل، می‌توان به سراغ یکی از مباحث رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به نام «مطالعات خواندن» رفت. برای خواندن، انگیزه‌های متفاوتی را برشمرده‌اند: ۱. خواندن به قصد لذت ۲. خواندن برای آموزش ۳. خواندن برای کسب سرمایه اقتصادی و اکنون ۴. خواندن برای کسب سرمایه نمادین.

از این منظر، خواندن کتاب و رفت و آمد به کتابخانه از طریق کاربران را می‌توان یک پراتیک سیاسی، اجتماعی و یا در راستای کسب قدرت نمادین تصور کرد. عمل نوشتن نیز از این نقطه نظر قابل تحلیل است. با توجه به این نوع نگاه، می‌توان بهتر برای خواندن کتاب و

^۱. Habitus.

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۳۱

وظایف کتابخانه در جامعه سیاست‌گذاری کرد. آیا کتابخانه دانشگاهی صرفاً باید دارای جهت‌گیری آموزشی باشد و کتابخانه عمومی صرفاً دارای جهت‌گیری خواندن به قصد لذت؟ هر یک از کاربران با توجه به ویژگیهای طبقه‌ای و هاییتوسهای مختلف (که قابل مطالعه و استخراج است) با چه رویکردی به کتابخانه می‌آیند، چه کتابهایی مطالعه می‌کنند و چه نیازهای اطلاعاتی دارند؟ تحلیل‌های حاصل از این حتی می‌تواند در مطالعه روندهای سیاسی، علمی و اجتماعی نیز با اهمیت باشد.

کتابخانه

کتابخانه و قدرت نمادین بوردیو: نظریه شما یا تصویر (ذهنی)

یکی از مفاهیمی که «بوردیو» (۱۹۹۱) در ادامه بحث درباره قدرت نمادین واژگان ارائه می‌دهد، در مورد نهادها و سازمانهای اجتماعی است؛ بدین معنی که این نهادها علاوه بر کارکردهای معمول مدرنی که برایشان تعریف شده و عملاً به آن اشتغال دارند و لذا به تناسب آن نیز دارای قدرتند، دارای قدرت دیگری به نام قدرت نمادین نیز هستند. این قدرت نمادین، از آنجا ناشی می‌شود که این نهادها قادر به متمایزسازی و طبقه‌بندی هستند و لذا خودبه‌خود علاوه بر کارکردشان، به یک نماد تبدیل می‌شوند که منعکس‌کننده پراکسیس‌های اجتماع است. برای مثال، یک فرهنگستان ممکن است نماد روشنفکری، یک کانون شعر نماد اعتراض، یک ناشر نماد طبقه اشراف، و یک کتابخانه نماد فرهنگ متعارف مقبول دولت باشد. این نهادها ناخودآگاه به ایجاد تمایز می‌پردازند برای مثال، دسته‌بندی اجتماعی انجام شده توسط یک دولت، در طبقاتی که کتابدار در کتابخانه می‌سازد، منعکس می‌شود: طبقاتی مانند کتابهای عامه‌پسند، کتابهای دینی، کتابهای حوزوی، کتابهای دانشگاهی، کتب کنکوری و ... کتابخانه به عنوان یک نهاد، طبقات برساخته اجتماعی را منعکس می‌کند و خود تبدیل به یک نماد می‌شود. این نماد به ایجاد طرحواره ذهنی^۱ (کوبلی، ۱۳۹۱) افراد برای ایجاد تمایز میان گروه‌های مختلف، کمک می‌کند. برای مثال، ممکن است کمک کند تا یک گروه خاص یا یک دوره خاص اهمیت بیشتری پیدا کند. برای مثال، ممکن است کتابخانه طرحواره دانشجو

^۱. Schema.

بودن، روشنفکر بودن، غیرستنی بودن، مبادی آداب بودن و ... را ایجاد کند و حتی مردم به افرادی که به کتابخانه رفت و آمد می‌کنند، بیش از دیگران اهمیت دهند. از این نظر، بسیار جای تحقیق دارد که با رویکرد نظریه تصویر (ذهنی)، کتابخانه چه نمادهای اجتماعی را بازتولید یا تقویت می‌کند و این نمادها چه طرحواره‌های ذهنی را ایجاد می‌نمایند.

کتابخانه و مجموعه‌سازی: نظریه میوه ممنوعه

یکی از کارویژه‌هایی که کتابخانه به عنوان یک نهاد دارای قدرت نمادین انجام می‌دهد، مجموعه‌سازی است. کتابخانه با مجموعه‌سازی و انتخاب و عدم انتخابهایش، ایجاد تمایز و طبقه می‌کند و دست به دسته‌بندی می‌زند. از این که بگذریم، کتابخانه علاوه بر دسته‌بندی‌ای که در وهله اول با انتخاب و عدم انتخاب برخی منابع انجام می‌دهد، برچسب‌زنی می‌کند و آثار خاصی را برجسته می‌سازد؛ آثاری که از سوی یک ساختار گفتمانی شایسته انتخاب شناخته شده‌اند. علاوه بر آن، یکی از فعالیت‌هایی که در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی امروزه تبلیغ می‌شود، سطح‌بندی اطلاعات است؛ طوری که با وجود کتاب یا منبع خاصی در کتابخانه، افراد خاصی (به لحاظ سن، جنس، تحصیلات و ...) به آن دسترسی داشته باشند. برای مثال، کتابهایی که به مسائل جنسی می‌پردازند به افراد زیر ۱۴ سال داده نشود یا کتابهای فلسفی یا سیاسی خاص، در اختیار سطوح تحصیلاتی خاصی قرار گیرد یا برخی رمانهای خاص اصلاً خریداری نشود. بر این اساس، کتابخانه‌ها عموماً به نماد حفظ و اشاعه فرهنگ متعارف مسلط می‌شوند. با توجه به نظریه میوه ممنوعه^۱ (آرنت، ۲۰۰۷)، این منع و برچسبها به لحاظ ارتباطی حساسیت ایجاد می‌کند و ممکن است افراد را در جهت به دست آوردن و خواندن آنها به هر ترتیب و روش، ترغیب کند. حتی برای برخی ناشران، این تمایزگذاری کتابخانه‌ها یک فرصت تلقی می‌شود تا بتوانند بیشتر بفروشند. برای مثال، نبود کتابهای یک رمان‌نویس خاص در کتابخانه‌ها، ممکن است نوجوانان و جوانان را به خواندن آثار آنها که مغایر با فرهنگ متعارف مقبول است، ترغیب کند و حتی بازارهای چاپ و فروش پنهانی ایجاد نماید. نکته‌ای که محل تحقیق و تتبع است، این است که چه رویکردی در خصوص این نوع منابع باید اتخاذ شود. آیا کتابخانه در راستای نقش نمادین خود به عنوان پایگاه حفظ فرهنگ متعارف،

^۱. Forbidden fruit hypothesis.

نباید آثاری خاص را به رسمیت بشناسد؟ آیا باید با برچسب‌زنی آنها را محدود کند، یا اینکه با توجه به تأثیر میوه ممنوعه، حساسیت ایجاد نکند و نسبت به نقش نمادین خود آگاه‌تر باشد؟

کتابخانه و سازماندهی: تنظیم دستور جلسه

رده‌بندی کتابخانه به لحاظ عملی، یک ابزار بازیابی اطلاعات به شمار می‌آید. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی از طریق رده‌بندی منابع در موضوعات و موضوعات فرعی، دستیابی به آنها را آسان می‌کنند و این در متون پایه کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌عنوان یکی از تفاوت‌های کتابفروشی و کتابخانه شمرده شده است. با این حال، یکی از دلایل بنیادی که باعث شده بسیاری از اندیشمندان ایران و جهان از فارابی و ابن‌سینا، خوارزمی، غزالی و ابن‌خلدون گرفته تا ارسطو، آکویناس، لایب‌نیتس، پل اتله، هنری لافونتن، دیویی و ... به آن بپردازند، نقشی است که تقسیم‌بندی علوم در رشد آینده دانش و جهت‌دهی به رشد دانش ایفا می‌کند. از این نظر گاه، برخی معتقدند نخستین برش که در رده‌بندی دانش از علوم عالم زده می‌شود، نوع جهان‌بینی و نگاه انسان به جهان و رشد آینده علوم را رقم خواهد زد (باوکر و استار^۱، ۱۹۹۹). برای مثال، اگر در یک طبقه‌بندی مقبولیت‌یافته از علوم، جایی برای علم رجال یا حدیث یا طب سوزنی یا سستی و ... در نظر گرفته نشده باشد، در واقع سازوکار، تمهیدات، نظام علمی، نظام‌های تشویقی (مانند جوایز و جشنواره‌ها) و ... نیز برای آن حوزه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود و آن علوم مغفول می‌ماند. یکی از نقدهایی که در فلسفه علم به خصوص در فلسفه ناقدانی چون فایر‌بند وجود دارد، این است که چه سازوکاری باعث شده که علومی مانند علوم غریبه یا علم احکام نجوم کنار روند و علومی نامقبول تلقی شوند و علوم تجربی حاضر به‌عنوان علوم مقبول رشد کنند. در اینجا می‌توان تحلیل‌هایی از نوع علم ارتباطات انتقادی انجام داد و این فرایند را از نگاه تنظیم دستور جلسه^۲ دید (کوبلی، ۱۳۹۱). رده‌بندی علوم را می‌توان در واقع یک نوع تنظیم دستور جلسه برای نگاه انسان به حقایق جهان و رشد آینده علم دانست. طبق این تحلیل، می‌توان استدلال کرد رده‌بندی علوم که نمود عملی و تحقق‌یافته آن را در

^۱. Geoffrey C. Bowker & Susan Leigh Star .

^۲. agenda setting.

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۳۴

کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی می‌بینیم، با برش خاصی که به عالم می‌دهد^۱، اگر تبدیل به یک گفتمان عام شود، در واقع دستور جلسه‌ای است که آذهان و سازوکارهای بوروکراتیک علمی را در راستای تحقق و تقویت علوم وضع شده رشد می‌دهد و سایر علوم و نگاه‌ها به عالم را مغفول می‌گذارد.

از سوی دیگر، تحلیلهای عمیقی از جنس تحلیل گفتمان انتقادی یا تحلیل گفتمان پس استعماری (با الگوگیری از آثار ادوارد سعید) می‌توان در خصوص رده‌بندیهای موجود انجام داد. براین اساس، می‌توان واکاوی کرد که با دستور جلسه‌ای که طبقه‌بندیهای حاضر از جهان و حقایق آن چیده‌اند، چه حوزه‌هایی را پررنگ کرده‌اند، چه حوزه‌هایی را فرو گذاشته‌اند و چه ردپاهایی از سلطه و استثمار را می‌توان در ترجیحات، برتریها و نسبتهای علوم استخراج کرد.

کتابخانه و اشاعه اطلاعات: شکل دهی

اشاعه اطلاعات، هدف غایی نظام کتابخانه دانسته می‌شود. منظور کتابخانه از راه‌اندازی، مجموعه‌سازی، سازماندهی، و مدیریت، اشاعه اطلاعات دانسته شده است؛ طوری که بتواند اطلاعات مورد نیاز را به صحیح‌ترین شکل ممکن و در اسرع وقت به مخاطبان انتقال دهد. در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، سازوکارهایی که در فرایند مرجع و مصاحبه مرجع دیده شده، از قبیل مشاوره اطلاعاتی، مشاوره پژوهشی و ... همچنین فعالیتهای جنبی‌ای چون فهرست تازه‌های کتاب، انتشارات جدید در حوزه‌های موضوعی مختلف، اشاعه گزینشی اطلاعات، نمایه‌سازی کتاب و اسناد و ... همه در راستای غایت اشاعه اطلاعات تدارک دیده شده‌اند. با این حال، تحلیلهایی نیز از نظر علم ارتباطات می‌توان نسبت به این موضوع داشت و آن اینکه

^۱. برای مثال، در یک برش ممکن است علوم به شرعی و غیرشرعی تقسیم شوند و در برش دیگر به حکمی و غیرحکمی. در برش اول شرع در علمیت گزاره‌ها ملاک قرار گرفته و در برش دوم عقل و استدلال. در تقسیم‌بندی نوع اول، ممکن است علوم بر اساس شرعی و غیرشرعی بودن به رسمیت شناخته شوند و لذا طبق این دستور جلسه، علوم شرعی رشد کند و علوم عقلی طرد شوند و در برش دوم، علوم بر اساس عقلانیت سنجیده شوند و علوم شرعی به دلیل ابتناء بر گزاره‌ها و مقدمات غیرعقلی کنار گذاشته شوند.

اطلاعاتی که از رهگذر مکانیسم‌های چیده شده توسط کتابدار به دست مخاطب می‌رسد، چگونه در راستای پیش‌داشته‌های ذهنی کتابدار، جهت‌گیریهای اجتماعی او، تلاش کتابخانه برای حفظ نظم متعارف و سایر عوامل اجتماعی، شکل‌دهی^۱ می‌شوند. برای مثال، نخستین ندهایی که به نظام نمایه‌سازی پیش‌همارا اقامه شد، این بود که چرا همارایی واژگان نمایه‌ای در این نظام، باید از قبل و توسط کتابدار چیده شود و طبق الگویی که او واژگان را در سرعنوانهای موضوعی چیده است، بازیابی صورت گیرد. با اوج‌گیری این مباحث بود که نظام پس‌همارا شکل گرفت تا طبق این الگو، ترکیب واژگان برای جستجوی اطلاعات توسط کاربر صورت گیرد، اما پیشنهاد واژگان همچنان در استیلای کتابدار باقی ماند. با این تحلیل، الگوهای واژگانی‌ای که در سرعنوانهای موضوعی یا اصطلاح‌نامه‌ها منعکس شده، بازنماینده چيستند و آیا می‌توانند جستجوهای ما را تحت تأثیر قرار دهند و آنها را به نتایج مشخصی راهنمایی کنند؟ یا در امر مشاوره اطلاعاتی و اشاعه گزینشی اطلاعات، آیا الگوهای اجتماعی و یا ساختار متعارف دانشگاهی منعکس شده در کتابخانه و نظام آن، از طریق کتابدار، بسته به سازمان مادر، کتابخانه و کتابدار، به نوع خاصی از تحقیقات منجر می‌شود و یا منابع مشخصی را برای تحقیق در اختیار او می‌نهد؟ اشاعه گزینشی اطلاعات^۲ که از مفاهیم مهم علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی است، چگونه می‌تواند به عنوان یک ابزار شکل‌دهی به مطالعه یا تحقیق عمل کند؟ آیا پشتیبانی کتابخانه از نظم متعارف، به الگوهای تحقیقی شکل می‌دهد؟ مشاوره اطلاعاتی کتابدار چگونه موجب شکل‌دهی می‌شود و چه نمونه‌هایی از آن می‌توان یافت؟ مثال دیگری که می‌توان در این خصوص زد این است که کتابخانه‌ای که به‌طور ناخواسته جهت‌گیری در تهیه و اشاعه اطلاعات فقه اخباری دارد (بریده جراید، تازه‌های

^۱. شکل‌دهی (framing) در علم ارتباطات به معنای انتخاب یا برجسته‌ساختن جنبه خاصی از پیام و نادیده یا کم‌رنگ ساختن جنبه‌های دیگر آن است. معنای این اصطلاح را با مفهوم «عدسی عینک» یا «قاب عینک» بهتر می‌توان فهمید؛ عدسی‌ای که نقاطی را با همگرایی برجسته و نقاطی را با واگرایی دور می‌کند.

^۲. Selected Dissemination of Information (SDI).

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم.../ ۱۳۶

کتاب، منابع کتابخانه‌ای، اصطلاح‌نامه‌ها و ...)، تا چه اندازه می‌تواند به تحقیقات محققان محلی آن کتابخانه و نتایج آن شکل دهد و یا روی مبلغان محلی تأثیرگذار باشد؟

کتابخانه به مثابه رسانه جمعی

کتابخانه‌ها را مکانی برای گردآوری دانش گذشتگان دانسته‌اند؛ مکانی که بتوان دانش گذشته را یکجا گردآورد و ضمن جلوگیری از زوال آن، برای پیشبرد دانش روز از آن بهره برد. اما برخی از کتابخانه‌ها مانند کتابخانه‌های عمومی (که می‌توان آنها را به‌عنوان رسانه جمعی مطالعه کرد)، اساساً برای این منظور ایجاد نشده‌اند، زیرا کتابخانه‌های دیگری که عموماً وابسته به یک نهاد مذهبی یا علمی بوده‌اند (مانند کلیسا، مسجد، دارالعلم‌ها و دارالحکمه‌ها، مدارس علمی و ...) از گذشته‌های دور وجود داشتند که از قضا به روی عموم نیز باز بوده‌اند، ولی شأن کتابخانه عمومی به شکل مدرن امروزی را نداشتند که مخاطب خود را عامه و منابع خود را ادبیات عامه‌پسند تلقی کنند. کتابخانه‌های عمومی بنا به تعریف هابرماس^۱، به‌عنوان بخشی از حوزه عمومی^۲ در جوامع مدرن شکل گرفتند؛ جوامعی که در دستگاه دولتی عریض و طویل آن، مردم عموماً به صاحبان قدرت دسترسی نداشتند و بنابراین باید فضایی عمومی به‌عنوان «حوزه عمومی» در جامعه مدنی شکل می‌گرفت تا شکاف دولت-ملت را پر کند. کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان یکی از این نوع نهادها پا به عرصه وجود نهادند که ارتباط چندانی با حفظ و گسترش دانش گذشته نداشت. کتابخانه عمومی، مکانی برای حضور عوام (به‌خصوص کارگران و اقشار طبقه پایین جامعه) برای گفتگو درباره مسائل روز، استفاده رایگان از روزنامه‌ها و تورتق آنها، تجمع و گفتگو و انجام بحث‌های اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شد که حوزه عمومی را تشکیل می‌داد. این نوع کاریست و خاستگاه، این انگیزه را بسیار تقویت می‌کند که از کتابخانه عمومی به‌عنوان رسانه بهره گرفته شود؛ طوری که بتوان با اشاعه اطلاعات مناسب، حوزه عمومی را مدیریت نمود. حال با توجه به این مقدمه، نکته‌ای که از منظر ارتباطی قابل تحلیل و تحقیق است، این است که در جوامع مختلف، با توجه به نظریه‌های رسانه‌ای، به کتابخانه‌های عمومی چگونه نگریسته می‌شود. کدام نظام‌های اجتماعی

^۱. J. Habermas.

^۲. Public Sphere.

آن را به عنوان یک رسانه قدرتمند تلقی می‌کنند و کدام نظامها آن را یک رسانه محدود می‌دانند. عواقب هر یک از این تلقی‌ها در جوامع آنها چیست. یا با یک نگاه دیگر، آیا کشورهایی که دارای نظام رسانه‌ای توده‌وار، لیبرال، رسانه با مسئولیت اجتماعی، یا نظام رسانه‌ای کشورهای جهان سوم هستند، همین مواضع را در خصوص کتابخانه‌های خویش (به‌خصوص عمومی) دارند یا تلقی دیگری از کتابخانه داشته و اساساً آن را به عنوان رسانه نمی‌نگرند. هر یک از این جهت‌گیریها چه عواقب، پسرقتها یا پیشرفتهایی را به دنبال داشته است.

کتابدار

جنبه‌های ارتباطی پیام

«ردفورد»^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی درباره کیفیت ارتباط کتابدار با مراجعه‌کننده به این نتیجه دست یافت که کتابداران اغلب به جنبه محتوایی ارتباط یا نقش ارجاعی ارتباط توجه و تمرکز دارند. مراجعه‌کنندگان نیز به این امر اذعان داشتند و این در حالی است که سایر جنبه‌های ارتباط در موفقیت آن نقش پررنگ‌تری دارد. «رومن یاکوبسن»^۲ نقش برای کاربرد زبان در ارتباط برمی‌شمارد: نقش ارجاعی، نقش شعری، نقش عاطفی، نقش فرازبانی، نقش ترغیبی و نقش همدلی (تریدینیک^۳، ۲۰۰۶). اگرچه در هر نوع ارتباطی یکی از این نقشها غالب است، همه نقشها همزمان در کارند و نمی‌توان نقش ارجاعی را آنگونه که در کتابداری و اطلاع‌رسانی فعال است از دیگر نقشها جدا کرد. نقش فرازبانی مؤید تأثیر رمزگان در گفتار یا نوشتار است. یک مثال خوب برای این مورد، تفاوت بین نوشتار دانشگاهی و روزنامه‌ای است. نقش همدلی فقط برای برقرار نگاه داشتن تماس است و یک نمونه از آن چت کردن است که در آن هیچ پیامی منتقل نمی‌شود، اما نقش همدلانه در کار است، طوری که دو طرف در نبود کانال‌های صوتی و تصویری می‌خواهند از حضور مداوم یکدیگر مطمئن شوند. در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، به سایر جنبه‌های پیام ارتباطی جز نقش ارجاعی، توجهی نشده است. برای مثال، می‌توان بررسی کرد که در کار اشاعه‌گزینی اطلاعات، نقش فرازبانی

^۱. Marie L.Radford.

^۲. Roman Jakobson.

^۳. Luke Tredinnick.

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۳۸

نوشتار مورد اشاعه چه تأثیرهایی می‌تواند روی محتوای پیام داشته باشد (برای مثال، زمانی که برای یک مخاطب عام، از سبک نوشتار یا ساختار دانشگاهی برای انتقال مطالب استفاده شود). یا در بخش مرجع، تحقیق شود که زمینه و بستر ارتباط کتابدار-مراجعه‌کننده علاوه بر نقش ارجاعی، دارای چه الزامهای دیگری از نظر نقشهای پیش‌گفته است. برای مثال، رفتار کتابداری که پشت میز مرجع و در سطحی بالاتر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند یا کتابداری که در کنار مخاطب می‌نشیند، پاسخهای بلند و پاسخهای کوتاه، استفاده از کلمات (کلمات علمی و دانشگاهی برای مخاطب غیردانشگاهی)، و ... دارای چه پیامدهای ارتباطی است.

دروازه‌بانی دانش

دروازه‌بانی یکی از مفاهیم آشنا در حوزه مطبوعات و خبرگزاریهاست. دروازه‌بانی را به‌عنوان تمامی فرایندهای انتخاب و کنترل پیام دانسته‌اند (مولانا، ۱۳۷۱). «ویلبش شرام» (۱۹۴۹) در این خصوص می‌گوید: «هیچ‌یک از جنبه‌های ارتباط به اندازه تعداد زیادی انتخاب و تعداد زیادی رد کردن در شکل‌دهی افکار گیرنده و ارتباط‌گر، مؤثر نیست». در مطالعات دروازه‌بانی خبر، به این موضوع پرداخته می‌شود که خبری که از طریق رسانه‌ها منتشر می‌شود، از چه دروازه‌هایی عبور می‌کند، هر یک از این دروازه‌ها تا چه سطحی روی خبر تأثیر دارند، چه شاخصهایی در انتخابها و ردکردنهای آنها تأثیر دارد و این انتخابها و ردکردنها باعث چه تأثیرها و امواج اجتماعی می‌شود. انسان‌ها عموماً در هر لحظه با فرایند انتخاب مواجهند و مسیر زندگی آنها را انتخابهای آنها تشکیل می‌دهد. با وجود این، افرادی وجود دارند که حرفه آنها به نوعی انتخاب یا عدم انتخاب پیام است؛ پیامهایی که مصرف جمعی دارند. در کنار افرادی که به نوعی با رسانه و مطبوعات سر و کار دارند، کتابدار نیز به کار دروازه‌بانی، از نوع دروازه‌بانی دانش، اشتغال دارد. کتابدار، آن‌طور که در شرح حرفه‌اش نگاشته شده، فردی است که به انتخاب منابع اطلاعاتی، سازماندهی و اشاعه آن می‌پردازد و لذا همواره با انتخابها و ردکردنهای انواع منابع اطلاعاتی (به‌عنوان پیام) روبروست. تحقیقات و تحلیلهایی که از این نظر می‌توان انجام داد، این است که در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، پایگاه‌های اطلاعاتی و هر آنچه شأن کتابخانه‌ای دارد، علاوه بر کتابدار، چه دروازه‌بانانی وجود دارند. فرایند اثرگذاری و درجه اثرگذاری آنها چگونه است. چه شاخصهایی روی انتخابها و ردکردنهای آنها تأثیر دارد. چه درجه از این شاخصها فردی، چه درجه سازمانی، و چه درجه اجتماعی است. و در

نهایت، این انتخابها و ردکردنها چه تأثیرهایی روی مخاطب می‌گذارد. برای مثال، در یک پایگاه اطلاعاتی، علاوه بر کتابدار که منابع دیجیتال خاصی را پیشنهاد می‌دهد، مدیر پایگاه اطلاعاتی، رؤسای سازمان مادر، نرم‌افزارنویس به‌عنوان کسی که ساختار بازیابی اطلاعات نظام را تعیین می‌کند، و نمایه‌ساز که واژگان جستجوی اطلاعات را می‌گزیند، جزء دروازه‌بانان به‌شمار می‌آیند. با تحلیلهایی از این دست می‌توان فهمید که در یک نظام اطلاعاتی چه دروازه‌بانانی نقش دارند، چه شاخصه‌هایی انتخابها و ردکردنهای آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و انتخابها و ردکردنهای آنها دارای چه ابعادی است. با نتایج حاصل از این تحلیلهای توان پیش‌بینی و برخورد آگاهانه نسبت به روند گردش پیام در نظامهای اطلاعاتی حاصل می‌شود.

منزلت اجتماعی کتابدار

یکی از حوزه‌های تحقیقاتی در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، پژوهش در خصوص منزلت اجتماعی کتابداران است. از دیدگاه‌های مختلفی به این امر نگریسته شده است. برای مثال، کتابداران در طول تاریخ و در برهه‌های مختلف آن چه شأنی داشتند، از چه طبقه‌ای بودند، و به چه اموری اشتغال داشتند. یا اینکه وضعیت معاش کتابداران در جوامع مختلف چگونه است. مردم عموماً چه نگاهی نسبت به کتابدار دارند و این نوع نگاه متأثر از چه عواملی است. روشها و رویکردهای مختلفی چون پژوهشهای تاریخی، پرسشنامه و مصاحبه، استفاده شده است. اما یکی از جنبه‌های جذاب تحلیل وجهه کتابدار این است که بررسی شود که کتابدار در زندگی روزمره و متعارف، چگونه دیده می‌شود. رسانه‌ها از جمله جاهایی هستند که زبان زندگی روزمره جوامع مختلف در آن جا سازی و جاری است. بنابراین، می‌توان تحلیل کرد که کتابدار در فیلمها، سریالها، کتابهای داستان یا سایر کتابهای علمی و هنری، چگونه بازنمایانده شده است. این بازنمایی در ادوار مختلف در رسانه‌ها چگونه بوده است و چه روندی را طی کرده است. از آنجا که از نکات کلیدی تهیه فیلمنامه یا داستان یک کتاب یا سریال تلویزیونی، تأکید روی ژانرهاست (چندلر، ۱۳۸۷)، لذا تیپ‌سازی طوری انجام می‌شود که متکی به تیپهای تثبیت‌شده و بارز باشد و نماینده یک تیپ یا نوع متمایز به‌شمار آید. بنابراین، تیپ شخصیتی‌ای که در میان مخاطبان عام مقبولیت عام دارد و به‌عنوان یک قالب بدیهی پذیرفته شده است، به عنوان تیپ برای آن ژانر خاص استفاده می‌شود. با استفاده از نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان، می‌توان تحلیل کرد که اینگونه برساختها به لحاظ تاریخی

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۴۰

چگونه شکل گرفته و تثبیت شده‌اند. برای مثال، در بسیاری از فیلمها و رمانها^۱ روایت‌هایی که ژانر بر آنها غلبه دارد- کتابدار به عنوان فردی تیپ‌سازی شده که حافظ نظم نمادین کتابخانه است و با چهره‌ای عبوس، در حالی که همواره دعوت به سکوت می‌کند، شدیداً مراقب است که چنین نظم نمادینی که بر ساخته خود اوست و مخاطب هیچ‌گونه قرابتی با آن ندارد، به هم نخورد. حتی این آثار به نوعی نشان می‌دهند که کتابدار در کتابخانه همواره با یک تعارض دست به گریبان است: کمک به حفظ نظم موجود و یا رها کردن آن به نفع کمک به مخاطب. در این رسانه‌ها، انضباط خشک کتابدار به‌طور صریح به تصویر کشیده شده و نماد فضایی تصنعی است.

البته چنین تحلیلهایی در آثار داخلی انجام نشده و بسیار جای کار دارد. ممکن است که چنین وجهه‌ای، با وجهه کتابدار منعکس شده در آثار داخلی متفاوت باشد. تحلیلهایی از این نوع، تحلیلهای درخودنگری^۲ است که به ما کمک می‌کند تا شناسایی کنیم که وجهه کتابدار در جامعه چگونه شناخته شده است و مشخصه‌های کلیدی آن (کد، محتوا، رفتار) چیست. این نوع نگاه به وجهه، از عمیق‌ترین نوع نگاه‌هاست زیرا تلاش می‌کند تا آن را از عادی‌ترین و تثبیت‌شده‌ترین لایه‌های فرهنگی که در ادبیات و روایت منعکس است، استخراج کند.

نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی لازم است با قوت بیشتری به آن بپردازد، توجه به شأن اجتماعی و ارتباطی اعمال حرفه‌ای است. بررسی حاضر در واقع گامی مقدماتی در جهت ایجاد خودآگاهی اجتماعی در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی شمرده می‌شود. کتابداران عموماً به فعالیتهای تکنیکی خود مشغولند و رفتارها و فعالیتهای حرفه‌ای خود را فارغ از جنبه‌های اجتماعی و ارتباطی انجام می‌دهند و در انجام آن رویکردی کاملاً مدرن و فنی دارند. برای مثال، در پیام عموماً به محتوا و چگونگی رساندن آن به بهترین نحو می‌پردازند و برای مثال، دست به تحقیقات دامنه‌داری در جامعیت و مانعیت بازیابی محتوا

^۱. برای مثال سریال امریکایی *desk set, party girl, the name of the rose* librarians. قصه‌های مجید، رمان تهوع اثرسارتر و ...

^۲. Reflexive

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۴۱

زده‌اند. این در حالی است که رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی اساساً یک رشته اجتماعی است و فعالیت‌های کتابدار در واقع یک پراکسیس اجتماعی است که نمی‌توان فارغ از تأثیرهای اجتماعی و ارتباطی به آن نگریست. شأنی که کتاب به عنوان یک رسانه با نشانه‌های خاص خود دارد، مکانیسم‌هایی که عمل اجتماعی «خواندن» تحت تأثیر آن است، شیوه‌های اقناعی‌ای که هر یک از منابع اطلاعاتی برای قبولاندن محتوای اطلاعاتی خود به کار می‌برند، وضعی که مخاطب در برابر هر یک از این منابع - که یک رسانه شمرده می‌شوند - دارد، تأثیری که مالکیت منبع اطلاعاتی بر محتوا می‌گذارد، سرمایه ارتباطی‌ای همچون سرمایه نمادین که ورای سایر سرمایه‌های برشمرده شده، از کتاب خواندن حاصل می‌شود، شأنی که کتابخانه به عنوان یک قدرت نمادین، به عنوان یک شکل دهنده، و به عنوان یک تنظیم‌کننده دستور جلسه دارد، و شأنی که کتابدار به عنوان یک دروازه‌بان دانش دارد، نشان‌دهنده بزرگی نقش اجتماعی او و فعالیت‌هایش است. التفات به این نقشها و برخورد آگاهانه با آن، و نیز گسترش تحقیقات به جنبه‌های اجتماعی و ارتباطی این علم، نه تنها در پهنه دانش نظری قلمروهای نوی برای تحقیق می‌گشاید، بلکه می‌تواند کتابداران را بیشتر به خودآگاهی حرفه‌ای رساند تا عمل خود را نه صرفاً فعالیتی تکنیکی، بلکه به عنوان یک عمل اجتماعی بنگرند.

منابع

- اثباتی، بهروز (۱۳۸۹). *مبانی ارتباطات*. تهران: ساقی.
- باد، جان (۱۳۸۸). *ارتباط‌شناسی و کتابداری*. ترجمه محبوبه مهاجر و نورا.. مرادی. تهران: سروش.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا. تهران: انتشارات سوره مهر.
- دانسی، مارسل (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی رسانه‌ها*. ترجمه گودرز میلانی و بهزاد دوران. تهران: آئیسه‌نما؛ چاپار.
- رایین، ریچارد (۱۳۸۷). *مبانی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه مهدی خادمیان. مشهد: کتابخانه‌های رایانه‌ای.
- سرل، جان (۱۳۸۷). *أفعال گفتاری: جستاری در فلسفه زبان*. ترجمه محمدعلی عبداللهی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شوئس ایشل، رینل (۱۳۹۱). *مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات*. ترجمه کرامت‌ا... راسخ. تهران: نی.
- کامشاد، حسن (۱۳۸۶). *مترجمان، خائنان، مته به خشخاش چندکتاب*. تهران: نی.

فصل مشترک نظریه‌های علم ارتباطات با مسائل علوم... / ۱۴۲

- کوبلی، پل (۱۳۹۱). *نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات رسانه‌ای و فرهنگی*. سرویراستار فارسی: سعیدرضا عاملی، جلد ۲ و ۳. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۰). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*. ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش. تهران: نی.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۹). *ارتباط‌شناسی: ارتباطات انسانی (میان‌فردی، گروهی، جمعی)*. تهران: سروش.
- مولانا، حمید (۱۳۷۱). *جریان بین‌المللی اطلاعات*. ترجمه یونس شکرخواه. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مک‌کوایل، دنیس (۱۳۸۷). *مخاطب‌شناسی*. ترجمه مهدی منتظرقائم. تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- Arnett, Jeffrey Jensen (۲۰۰۷). *Encyclopedia of Children, Adolescents, and the Media*. Retrieved December, ۲۰۱۲, from: <http://knowledge.sagepub.com/view/childmedia/SAGE.xml>
- Bourdieu, Pierre (۱۹۹۱). *Language and Symbolic Power*. Cambridge, Mass.: Harvard University, Press.
- Bowker, Geoffrey C. & Leigh Star, Susan (۱۹۹۹). *Sorting things out: Classification and its consequences*. Massachusetts: MIT Press.
- Buckland, Michael K. (۱۹۹۰). Information as Thing. *Journal of American Society for Information Science*, ۴۵ (۵), ۳۵۱-۳۶۰.
- Budd, John (۲۰۰۳). The Library, Praxis, and Symbolic Power. *The Library quarterly*, ۳۷ (۱), ۱۹-۳۲.
- Radford, Marie L. (۲۰۰۱). Encountering Users, Encountering Images: Communication Theory and the Library Context. *Journal of Education for Library and Information Science*, ۴۲ (۱), ۲۷-۴۱.
- Tredinnick, Luke (۲۰۰۶). *Digital information contexts: theoretical approaches to understanding digital information*. Oxford: Chandos Publishing.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی